

بررسی خوانش دل‌بستگی مکانی بر مبنای عناصر هویتی معماری مسکونی

(مطالعه موردی: معماری مسکونی دوره پهلوی دوم بین شهروندان تهرانی)*

دکتر معصومه قیمتی**، دکتر ایرج اعتصام***، دکتر علی علایی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

مکیده

دوره پهلوی دوم سرآغاز فراگیر شدن جنبش مدرن و تغییر شکل در سبک‌های معماری و ارائه الگوهای نوین در آن بوده است. این امر سبب شده است که بناهای معماری شاخص و برجسته‌ای خصوصاً در معماری مسکونی طراحی و اجرا شوند که پس از گذشت چند دهه از اجرای آن‌ها، هنوز دارای جذابیت‌های کالبدی، معنایی و عملکردی باشند. در همین راستا، این پژوهش در پی بررسی خوانش ادراکات شهروندان تهرانی از این بناها با در نظر گرفتن عوامل دل‌بستگی مکانی و بر مبنای عناصر هویتی توسط شهروندان با استفاده از روش پیمایش پرسشنامه‌ای و مدلسازی معادلات ساختاری بوده است. خوانش ادراکات شهروندان تهرانی از سه مجتمع مسکونی اکباتان، بهجت آباد و اسکان نشان دادند که که مرحله اول خوانش این بناها، ویژگی‌های عملکردی آنان است که این امر موجب اثرگذاری بر عامل وابستگی مکانی در تصورات ذهنی افراد شده و در درجات بعدی به شکل‌گیری هویت و دل‌بستگی مکانی منجر شده است.

واژه‌های کلیدی

دل‌بستگی مکانی، هویت مکانی، وابستگی مکانی، معماری پهلوی دوم، معادلات ساختاری.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری نگارنده اول با عنوان «تبیین شاخصه‌های هویتی معماری مسکونی دوره پهلوی دوم در تهران» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل کیش انجام گرفته است.

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

Email: Masoumeh.gheimati@gmail.com

***استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (مسئول مکاتبات).

Email: i.ettessam@srbiau.ac.ir

***استادیار، عضو هیات علمی آموزشکده فنی حرفه‌ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

Email: Alia.archi@gmail.com

مقدمه

برد (Proshansky, 1978; Proshansky et al., 1983). مفهوم دل‌بستگی مکانی در حوزه‌ی روانشناسی محیطی و مدیریت محیطی طی دو دهه‌ی اخیر بسیار مورد توجه بوده است. با این حال یک وفاق جمعی راجع به مفهوم دل‌بستگی مکانی تا به حال وجود نداشته است (Trentelman, 2009). دل‌بستگی مکانی در دسته‌ی مفاهیم مشابهی قرار می‌گیرد نظیر هویت مکانی (Proshansky et al., 1983) و حس مکان. در سال ۲۰۰۹، ترنتمن^۲ با تاکید بر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی دل‌بستگی مکان پیشنهاد کرد که ابعاد زمینه‌های اجتماعی و طبیعی مبنای تشکیل دهنده‌ی مفهوم دل‌بستگی مکان هستند (Gheitarani et al., 2019; Trentelman, 2009). محققان دیگری نیز دل‌بستگی مکان را از نظر بیوفیزیکی مورد توجه قرار داده اند (Williams & Vaske, 2003). هویت مکانی و وابستگی مکانی دو سازه‌ای هستند که از چنین مطالعاتی برای دل‌بستگی مکانی پیشنهاد گردیده اند (Raymond et al., 2010). دل‌بستگی مکانی نیز به عوامل عملکردی و ارتباطات کارکردی در مکان برای کاربر اشاره دارد. به عبارت دیگر این مفهوم را میتوان معادل درجه‌ای از عوامل فیزیکی که شرایط مکان برای کاربر فراهم میکند تعریف کرد (Kim & Kaplan, 2004). با توجه به نکات گفته شده، با مقایسه‌های موردی و مطالعات اولیه، به راحتی می‌توان پی برد که معماری مسکونی تهران در حال حاضر، تفاوت چشمگیر و بنیادین با معماری مسکونی در گذشته نه چندان دور این شهر، پیدا کرده است. معماری مسکونی تا قبل از شروع قرن حاضر، چیزی که به عنوان معماری سنتی شناخته شده است، تفاوت ماهوی و روبنایی با معماری مسکن معاصر و اخیر دارد و هر چه از گذشته به امروز نزدیکتر می‌شویم، این تفاوت فاحش تر می‌شود. تفاوت معماری مسکونی اخیر تهران با معماری مسکونی سنتی این شهر، محصول تحولی است که در طی زمان‌های خاصی اتفاق افتاده است. این تحول نیز خود متأثر از عوامل اصلی و فرعی بسیاری بوده است که ریشه‌های آن هم از داخل و هم از خارج کشور نمایان می‌باشد. تهران به عنوان پایتخت ایران همواره الگوی سایر شهرهای این کشور پهناور بوده است و خصوصاً معماری هر تحولی در تهران یافته همان تحول عیناً به شهرهای دیگر نیز منتقل گشته است (دنبلی و همکاران، ۱۳۹۷).

این امر بدان جهت دارای اهمیت است که مطالعات پیشین کمتر به این امر توجه داشته‌اند. به طور مثال، یاران و بهرو (۱۳۹۵) در پژوهش خود، به عناصر هویتی ساختمان‌های مسکونی معاصر تهران پرداخته‌اند و به طور خاص به تفکیک این ساختمان‌ها در دوران پهلوی مبادرت نورزیده‌اند. پورجعفر و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی کامل و

امروزه با رشد تکنولوژی و افزایش چشم‌گیر ارتباطات جمعی، تعریف بشر از مسائل روانی و ادراکی تا حد زیادی دست خوش تغییر قرار گرفته است. از جمله این مفاهیم که در ارتباط با علوم محیطی، به ویژه معماری و شهرسازی است، مقوله هویت مکانی است. ویلیامز و واسک^۱ (۲۰۰۳) نقش احساسات و روابط معنایی را در شکل‌گیری هویت مکانی مطرح می‌کند و از اثرات آن ایجاد عزت نفس و احساس تعلق به اجتماع را برمی‌شمرد. در واقع هویت مکانی که به تدریج در طی زمان در فرد شکل گرفته است موجب خواهد شد که پیوندی ناگسستنی بین احساسات و ویژگی شخصی فرد با مکانی که در آن زندگی می‌کند پدید آورد (Davis, 2016).

از طرفی، همان‌طور که بیان شد در دنیای امروز با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی که متأثر از فراگیر شدن تکنولوژی به وجود آمده است شاهد گسیختگی احساسات و عواطف بین فرد و محیط پیرامونی می‌باشیم (Khanian et al., 2018). این امر سبب شده است که با بحران‌های اجتماعی و روانی متعددی که سرچشمه گرفته از این گسستگی هستند مواجه شویم که بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران به تفصیل آن‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند (Bohleber, 2018, 231).

در رویکردی دیگر، راپاپورت تمامی عناصر و جنبه‌های کالبدی و اجتماعی توسعه محیطی را متأثر از فرهنگ افراد مرتبط با آن مکان و ظرفیت‌هایش می‌داند. او همچنین بیان می‌کند که انسان در قالب فرهنگ تعریف میشود و هویت مییابد (مطلبی، ۱۳۸۸). او در روند شناخت و واکاوی هویت مکانی به دنبال شناخت اجتماع و فرهنگ است (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین چنگیزی و احمدیان (۱۳۹۲) در تحقیق خود اذعان داشته‌اند که هویت شهری توسط فرهنگ‌هایی که در آن شهر در طی تاریخ می‌زیسته‌اند شکل گرفته است. از نگاه آن‌ها فرهنگ مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنر و آداب و رسوم جامعه است که مبتنی بر ارزش‌هایی است که گروهی به آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می‌کنند. نولان و لنسکی (۱۳۸۳) نیز فرهنگ را نظام‌های نمادینی از گنجینه‌های شناختی اجتماع که توسط انسان‌های گذشته بنا نهاده شده است و تا به امروز ادامه داشته است و به ما رسیده است معرفی می‌کند.

از طرفی بررسی مفاهیم مرتبط با هویت مکانی بیان‌گر این امر است که نقش دل‌بستگی مکانی نیز در این مطالعات غیر قابل انکار است. به‌طور کلی، زمانی که مکان از نظر تجربیات شخص افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌توان از هویت و دل‌بستگی مکانی نام

جامع مفهوم دلبستگی مکانی پرداخته‌اند، ولیکن از نظر تاریخی و چگونگی اثرپذیری این مفهوم از معماری دوره‌های مختلف همچون دوره پهلوی اشاره‌ای نداشته‌اند. همچنین، در پژوهشی که **رهبری منش و دانش کار آراسته (۱۳۹۷)** در رابطه با چرایی جذب افراد به نماهای ساختمانی رومی داشته‌اند، مشخص شد که عوامل اقتصادی و اجتماعی نقش اثرگذاری در شکل‌گیری تصورات افراد نسبت به این نماهای مسکونی داشته‌اند که این امر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد دلبستگی مکانی در افراد ایجاد کند.

همچنین در تحقیقی که توسط **یغمایان و همکاران (۱۳۹۷)** انجام شده است، مشخص شد که بر پایه مدل اسکنل و گیفورد، دلبستگی به مکان بر پایه تعامل فرد و مکان به وجود خواهد آمد که رخداد این فرایند در انسان معاصر نیز شکل جدیدی به خود گرفته است، که سامانه‌های حمل و نقل و شبکه‌های اجتماعی مجازی، نقش چشم‌گیری در این بخش خواهند داشت. همچنین، در سنجش دلبستگی به هر مکان، سلسله‌مراتبی از دلبستگی کالبدی و اجتماعی از مقیاس کل تا جز در مکان مورد نظر، می‌بایست مدنظر قرار بگیرد تا سنجش با معیار مطلوب‌تری صورت پذیرد.

در همین راستا و با بیان اهمیت هویت مکانی، این پژوهش در پی خوانش ادراکات ذهنی شهروندان از میزان دلبستگی مکانی آن‌ها بر مبنای عناصر هویتی معماری مسکونی دوره پهلوی دوم می‌باشد. درواقع، هدف اصلی این پژوهش دستیابی به سازوکار و مکانیسمی است که ویژگی‌های هویتی معماری مسکونی دوره پهلوی در ذهن شهروند امروز تهرانی ساخته، پرداخته و ادراک می‌شود. به بیانی دیگر، استخراج بحرانی‌ترین مسیرهای ذهنی اداراکات هویتی از این بناها با استفاده از روش‌های مدلسازی معادلات ساختاری مد نظر قرار خواهد گرفت. برای رسیدن به این امر، ابتدا با استفاده از مرور ادبیات پژوهش، مدل مفهومی چگونگی درک و ذهنی سازی دلبستگی مکانی و هویت مکانی تبیین و تعریف خواهد شد و در مرحله بعدی با استفاده از روش پیمایش پرسشنامه‌ای و بکارگیری نرم‌افزار مدلسازی معادلات ساختاری، این مدل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

معماری بناهای مسکونی دوره پهلوی دوم تهران معاصر

در دوره‌ی معماری پهلوی اول بر اثر تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اصول معماری طراحی تغییر کرد و بدلیل حسنه شدن ارتباطات با کشورهای غربی فرهنگ غرب وارد معماری شد و کارهایی به وجود آمد که در آن عناصر معماری مدرن و اروپایی در هم آمیخت.

استفاده از مهندسان نو گرا باعث ورود سبک و ایده به معماری و عناصر ساختمانی شد و ساختمان‌ها بر اساس فرهنگ غربی که فرهنگ معماری روز بود ساخته شدند. گرچه در اوایل این دوره برای ساختمان سازی مسکونی همچنان معماری سنتی نزدیک به دوره‌ی قاجاریه استفاده می‌شد شیفتگی دستگاه حاکم به تجدد و مدرنیته باعث تلاش برای ایجاد شهرهایی مشابه کشورهای پیشرفته غربی شد. در نتیجه در آغاز دوره پهلوی اول مهمترین خصلت گذشته ایران را تغییر داد و بناها در همه حوزه‌ها و دسته بندی‌های ساختمانی به ناگهان از درون به بیرون چرخش داده شدند (**کیانی، ۱۳۸۳**).

در دوره پهلوی دوم، بیش از دوره قبل طرحهای سنتی و شیوه‌ها و مصالح سنتی به حاشیه رانده شد و طرحهای مدرن و تکنولوژی جدید جایگزین شد (**قبادیان و کیانی، ۱۳۹۲**). هر چند در این دوره طرحهای سنتی به حاشیه رانده شد ولی با همه این احوال باعث حذف سنت در معماری دوره اخیر نشد. ورود مستمر تکنولوژی و تجهیزات مدرن، به حذف ابنیه با کارکرد و منسوخ شدن شیوه‌های سنتی اجرا شدت بیشتری بخشید. ولی کماکان بناهایی جدید با عملکرد سنتی مانند بناهای مذهبی و بازار و همچنین ساختمانهایی با عملکرد نوین به سبک سنتگرایی طراحی و اجرا شدند. دوره سلطنت پهلوی دوم مقارن با معماری مدرن متاخر در غرب بود. معماری مدرن در این زمان سبک غالب و آوانگارد در اقصی نقاط جهان و منجمله در ایران محسوب میشد. تعداد بسیار زیادی از ساختمانهای مهم در ایران در این دوره به سبک معماری مدرن طراحی و اجرا شدند. معماری مدرن متعالی و متاخر دارای سبکهای متعددی است (**قبادیان و کیانی، ۱۳۹۲**).

با توجه به نکات گفته شده، در این تحقیق دیدگاه و تصورات شهروندان تهرانی نسبت به بناهای مسکونی این دو دوره اثرگذار با تاکید بر دلبستگی مکانی مد نظر قرار گرفته است.

مبانی نظری و تبیین مدل مفهومی

اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که مفهوم دلبستگی مکانی با توجه به تمرکز صاحب‌نظران بر مقوله‌های مرتبط با تجارب حسی مطرح شد، با این حال، اولین تعاریف تخصصی از مفهوم دلبستگی مکانی توسط استوکولز و شوماکر^۲ (۱۹۸۱) ارائه شده است. آن‌ها برآوردن نیازهای فرد توسط مکان را به عنوان عامل اصلی شکل‌دهی به دلبستگی مکان برشمرده‌اند که بعدها پژوهشگران دیگر از آن عامل اثرگذار وابستگی مکانی یاد کرده‌اند (**Stokols & Schumaker, 1981** به نقل از: **Scannell & Gifford, 2017**).

با این وجود، تعابیر دلبستگی مکانی و حس مکان را به اشتباه

منابع طبیعی به شدت به ایجاد وابستگی کمک نموده و اغلب بازدید مکرر از یک مکان را افزایش می دهد (Vaske & Kobrin, 2001). هویت محل تاثیر ویژگی های جسمی و نمادین مکان ها در هویت فرد را نشان می دهد (DevineWright, 2013). تحقق این امر از طریق یک پروسه طولانی مدت و پیچیده امکان پذیر است که در آن، یک محل به بخشی مناسب از هویت فرد تبدیل خواهد شد (Lewicka, 2008).

بسیار دیگری از صاحب نظران عوامل دیگری را نیز مرتبط با مفهوم دلبستگی مکانی ارائه کرده اند که از جمله آن ها می توان به عامل «هویت مکانی» اشاره کرد (Devine-Wright, 2013; Khanian et al., 2013). در ضرورت بررسی هویت مکانی، مطالعات نشان دادند که بین این عامل و وابستگی مکانی نیز رابطه نسبتاً پایداری وجود دارد (Bernardo & PalmaOliveira, 2016). لویکا^۱ (۲۰۰۸) در تعریف هویت مکانی سعی داشته است که آن را با تجربه شخصی افراد در مکان مرتبط کند. همچنین بهزادفر (۱۳۸۶) معتقد است که برقراری رابطه متعادل بین محیط بیرونی که فرد در آن زندگی می کند با تجربه های شخصی فرد را می توان به عنوان هویت مکانی در نظر گرفت. با در نظر گرفتن این امر که دلبستگی مکانی نیز بنابر تعاریف مرتبط با آن، در نتیجه تعامل مردم با مکان و عوامل و زیرساخت های مرتبط با آن به وجود می آید، می توان بیان کرد که رابطه قابل توجهی بین هویت مکانی و دلبستگی مکانی وجود دارد (Rowles, 2017). جدول ۱ ابعاد اثرگذار و اثرپذیر دلبستگی مکانی را نشان می دهند. همان طور که مشخص است غالب پژوهشگران ۳ بعد هویت مکانی، وابستگی مکانی و پیوندهای اجتماعی را به عنوان ابعاد مرتبط با

به جای یکدیگر به کار می برند. حس مکان اشاره به رابطه فرد با محیط، و رابطه حسی بین فرد و مکان دارد و مفهومی است که جنبه های نمادی و احساسی را دربرمی گیرد (Eisenhauer et al., 2000). حس مکان وابستگی ها و تعلقات یک فرد یا گروه از محیط زندگی شان را دربرمی گیرد (Naghdi et al., 2016; Stedman, 2002) و نیز شرح و توصیفی از فضای اطراف یک مکان و کیفیتی از محیط و امکان جذب به وسیله ی یک حس ناشناخته که باعث بازگشت افراد به آن مکان می گردد را شامل می شود. (Khanian et al., 2019; Rahmani et al., 2013). به عبارتی حس مکان یک ساختار چند بُعدی است که اعتقادات، هیجانات و روابط مشترک از رفتارها را در یک جایگاه جغرافیایی خاص نشان می دهد (Jorgensen & Stedman, 2006). این در حالیست که دلبستگی مکانی را انرژی برای مشارکت، وجود تمایل برای مشارکت معنی دار و وجود مشخصه های مشابه یا مکمل بر شمرده اند و معتقدند پیش از شکل گیری دلبستگی مکانی وجود این سوابق در افراد الزامی است. این پیش نیازها در مطالعات کمبود دلبستگی مکانی و اتخاذ تصمیمات بعدی برای حل این معضل عواملی کلیدی به شمار می روند (Moulay et al., 2018). دلبستگی مکانی به ارتباط عاطفی و مثبتی اشاره دارد که معمولاً با مکان و یا مناظر خاص اعم از عناصر جسمانی و اجتماعی ایجاد می شود (DevineWright, 2013). این ارتباط ممکن است به اقدامات فردی و جمعی خاص منجر شود (DevineWright, 2013; Manzo & Perkins, 2006). در واقع، دلبستگی مکانی به ویژگی های عملکردی یک مکان اشاره دارد که فعالیت های خاص و ارتباطات احساسی را تسهیل می نماید (Alitajer et al., 2013). تنظیمات

جدول ۱. تعاریف عملی برای چهار معیار پیشنهادی دلبستگی مکان

متون حمایتگر	تعریف	ابعاد
Proshansky et al., 1983; Williams & Vaske, 2003.	این ابعاد، مانند ترکیبی از احساسات در مورد تنظیمات فیزیکی خاص و اتصالات نمادین به مکان، که ما را تعریف می کنند.	هویت مکانی
Schreyer et al., 1981; Williams et al., 1992; Williams & Vaske, 2003.	اتصال کارکردی به طور خاص بر روی اتصال فیزیکی فرد به یک محیط تنظیم می شود؛ برای مثال، این نشان دهنده درجه ای است که در آن، تنظیمات فیزیکی شرایطی را برای حمایت از استفاده مورد نظر فراهم خواهند آورد.	وابستگی مکانی
Perkins & Long, 2002; Hidalgo & Hernandez, 2001; Stedman, 2002; Trentelman, 2009.	احساس وابستگی و یا عضویت در یک گروه از افراد، مانند دوستان و خانواده، و همچنین ارتباطات عاطفی بر اساس تاریخ مشترک، منافع یا نگرانی.	پیوند اجتماعی

99)، بر اساس مدل جان پانتر سه مؤلفه «محیط کالبدی»، «فعالیت» و «معنا» در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه ای با سه مؤلفه پیشنه‌ادی کانتر یعنی «محیط کالبدی»، «فعالیت» و «تصور ذهنی» تشابه دارند (گلکار، ۱۳۸۰)، که در شکل ۱ آورده شده است.

با توجه به نکات گفته شده، مشخص شد که عوامل «هویت مکانی»، «وابستگی مکانی»، «سرمایه فرهنگی»، «کالبد مکان»، «عملکرد مکان» و «معنای مکان» به عنوان متغیر مستقل بر عامل «دلبستگی مکانی» که در نقش متغیر وابسته این تحقیق است اثر می‌گذارند. با توجه به سلسله مراتب روابط طرح شده در بالا، می‌توان مدل مفهومی چگونگی اثرگذاری عناصر مکانی هویتی بر عامل دلبستگی مکانی را به صورت شکل ۲ تدوین و ارائه کرد.

همچنین با توجه به ماهیت و اهداف تحقیق حاضر، روش مدلسازی معادلات ساختاری به عنوان روشی برای تحلیل مدل مفهومی تحقیق در نظر گرفته شد و بر مبنای اصول و تعاریف موجود در این روش که بسیاری از محققان از جمله شوماخر (۲۰۱۷)^۶ و مارکوس (۲۰۱۲)^۷ به آن اشاره کرده‌اند، می‌توان متغیرها و مسیرهایی بر مبنای نمونه مورد مطالعه تحقیق و بسستر تحقیق به آن اضافه کرد. بر همین مبنای عامل «درک اجتماعی معماری پهلوی دوم» نیز با در نظر گرفتن این امر که الزامات و ضرورت اجتماعی موجود نیز ممکن است بر هویت مکانی

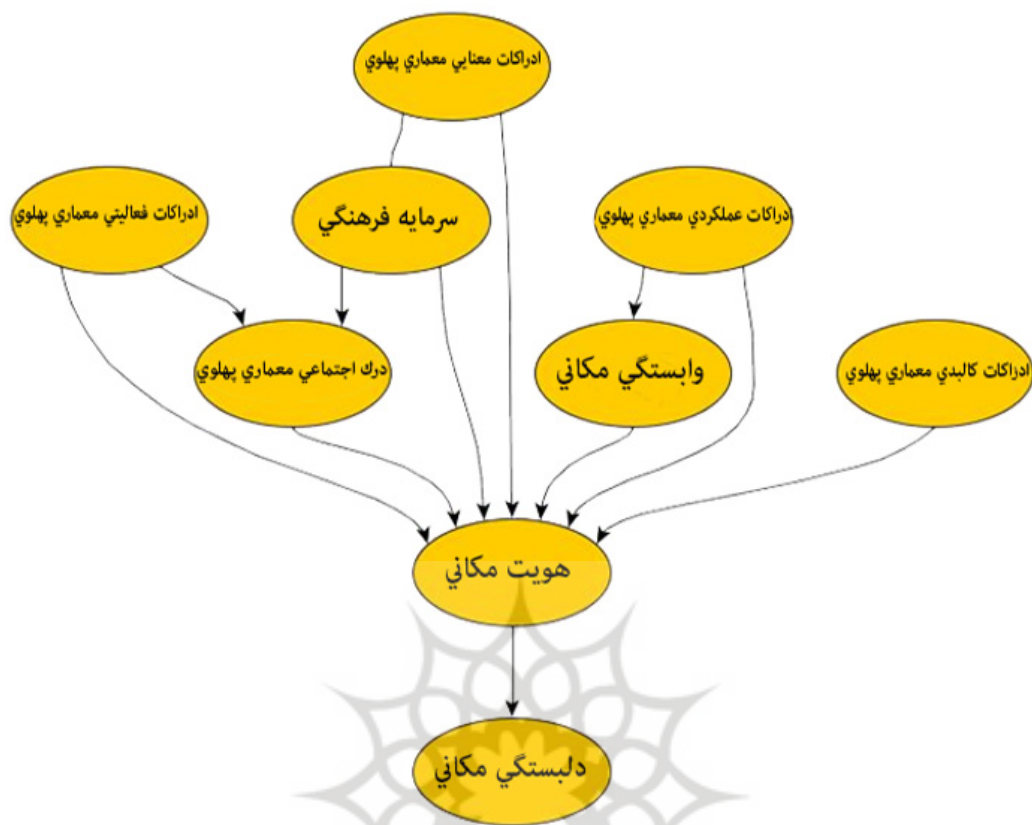
دلبستگی مکانی نام برده‌اند.

همچنین، بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های علوم محیطی به طور کلی و روانشناسی محیط به طور خاص معتقدند که رابطه معناداری بین هویت مکانی و سرمایه فرهنگی غالب در آن جامعه وجود دارد (Holtkamp, 2018, 57). در واقع، آن‌ها بر این عقیده هستند که تجربه‌های فردی افراد از محیط پیرامون خود قبل از ادراک توسط فیلتر فرهنگ پالایش می‌شود و سپس هویت مکانی را شکل می‌دهد (Knez & Eliasson, 2017). در تعریف سرمایه فرهنگی می‌توان بیان کرد که سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که افراد حاضر در یک محیط یا جامعه، در تلاش برای کسب یا نگهداری از یک جایگاه اجتماعی از آن استفاده می‌کنند (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ۵۹). همچنین، در تعریفی دیگر، سرمایه فرهنگی را مجموعه‌ای که دربرگیرنده تمایلات و عادات پایا و به ثبت رسیده یک جامعه در طول فرآیند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است تعریف می‌کنند (نوغانی، ۱۳۸۴).

در ادامه بررسی عوامل اثرگذار بر دلبستگی مکانی، می‌توان به جان پانتر^۵ اشاره کرد، او سه عامل را در خلق دلبستگی مکانی و ایجاد حس مکان دخیل می‌داند. مدل «حس مکان» جان پانتر را که بر سه گانه بودن مؤلفه‌های دخیل در خلق دلبستگی مکانی دلالت دارد، می‌توان مرتبط با مدل کانتر دانست (Carmona et al., 2007).



شکل ۱. مدل پانتر برای حس مکان (Carmona et al., 2007, 99)



شکل ۲. مدل مفهومی چگونگی اثرگذاری عناصر هویتی بناهای دوره پهلوی دوم بر دلبستگی مکان شهروندان به این بناها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ساختاری، می‌توان بیان کرد که چنین مدلی از دو بخش تشکیل شده است: یک مدل ساختاری که ساختار علی بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند و یک مدل اندازه‌گیری که روابطی بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف می‌کند. معادلات ساختاری از جمله تحلیل‌های همبستگی، تحلیل ماتریس کوواریانس یا ماتریس همبستگی است. با توجه به هدف تحقیق و تحلیل‌هایی که روی این ماتریس صورت می‌گیرد به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: تحلیل عاملی و مدل معادلات ساختاری هر دو این تحلیل‌ها از طریق نرم افزارهای ذکر شده قابل انجام است. مدل معادلات ساختاری یا یک ساختار علی خاص بین مجموعه‌ای از سازه‌های غیرقابل مشاهده است (Bagozzi & Fornell, 1982).

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای ۲۷ سوالی بر مبنای طیف

شکل گرفته در ذهن افراد اثر گذار باشد و از سرمایه فرهنگی نیز سرچشمه گرفته باشد، در مدل مفهومی تحقیق اعمال شد.

روش پژوهش

روش این پژوهش ماهیتاً توصیفی تحلیلی است که هدف اصلی در بخش تحلیل، بررسی مکانیسم و سازوکار شکل‌گیری دلبستگی مکان به بناهای مسکونی دوره پهلوی دوم می‌باشد. گردآوری اطلاعات به دو صورت اسنادی و پیمایش کمی و به وسیله پرسشنامه انجام گردید. برای انجام آمارهای توصیفی و آمار استنباطی مطالعه حاضر، از نرم افزار SPSS23 و Smartpls با به‌کارگیری روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

با توجه به اصول و قوانین حاکم بر روش مدلسازی معادلات

برای آشنایی و درک فضایی از این سه مجتمع، عکس‌های کلی آن‌ها نیز ضمیمه پرسشنامه قرار داده شد. شکل‌های ۳ تا ۵ وضعیت کلی کالبدی و محیطی این ۳ مجتمع مسکونی متعلق به دوره پهلوی دوم را نشان می‌دهد که ضمیمه پرسشنامه‌ها نیز شده است. بر مبنای جامعه آماری و جمعیت شهر تهران نمونه آماری با توجه به فرمول کوکران برابر ۳۸۴ عدد انتخاب شد که این تعداد پرسشنامه صحیح توسط پرسشگران بین شهروندان تهرانی به طور متناسب در همه مناطق شهری تهران توزیع شد.

در باب علت انتخاب این سه مجتمع به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق، می‌توان بیان کرد که با توجه به این امر که این مجتمع‌های مسکونی، بارزترین نماد معماری مسکونی در دوره پهلوی دوم می‌باشند و با توجه به موقعیت قرارگیری آن‌ها در شهر

پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده. در واقع، با در نظر گرفتن اصول و معیارهای روش مدلسازی معادلات ساختاری، متغیرهای «ادراکات معنایی معماری پهلوی دوم»، «ادراکات فعالیت‌های معماری پهلوی دوم»، «ادراکات عملکردی معماری پهلوی دوم»، «ادراکات کالبدی معماری پهلوی دوم»، «سرمایه فرهنگی»، «درک اجتماعی معماری پهلوی دوم»، «وابستگی مکانی»، «هویت مکانی» و «دلبستگی مکانی» به عنوان متغیرهای پنهان و برای هر یک از این متغیرها سه پرسش پنج گزینه‌ای به عنوان متغیرهای آشکار یا گویه‌های پژوهش در نظر گرفته شد.

همچنین، جامعه آماری پژوهش مردم شهر تهران در نظر گرفته شد که قبلاً از سه مجتمع مسکونی اکباتان، بهجت آباد و اسکان که از بناهای مسکونی دوره پهلوی است بازدید کرده‌اند. همچنین



شکل ۳. وضعیت کالبدی و محیطی مجتمع مسکونی اکباتان



شکل ۴. وضعیت کالبدی و محیطی مجتمع مسکونی بهجت آباد



شکل ۵. وضعیت کالبدی و محیطی مجتمع مسکونی اسکان

معیار روایی همگرا بودن این است که میانگین واریانس های خروجی (AVE) بیشتر از ۰/۵ باشد (Chou & Chen, 2009). همچنین در این پژوهش جهت تعیین پایایی ابزار از دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب (CR) استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها می بایست حداقل مقدار ۰/۷ بیشتر باشد. پایایی مرکب بر خلاف آلفای کرونباخ که به طور ضمنی فرض می کند هر شاخص وزن یکسانی دارد، متکی بر بارهای عاملی حقیقی هر سازه است، بنابراین معیار بهتری را برای پایایی ارائه می دهد. پایایی مرکب نیز باید مقداری بیش از ۰/۷ را به دست آورد تا بیانگر ثبات درونی سازه باشد (Fornell & Larcker, 1981). بررسی این مقادیر در مدل تحقیق نشان داد که مدل پیشنهادی دارای روایی همگراست و همچنین پایا می باشد.

ارزیابی مدل ساختاری پژوهش (آزمون فرضیات)

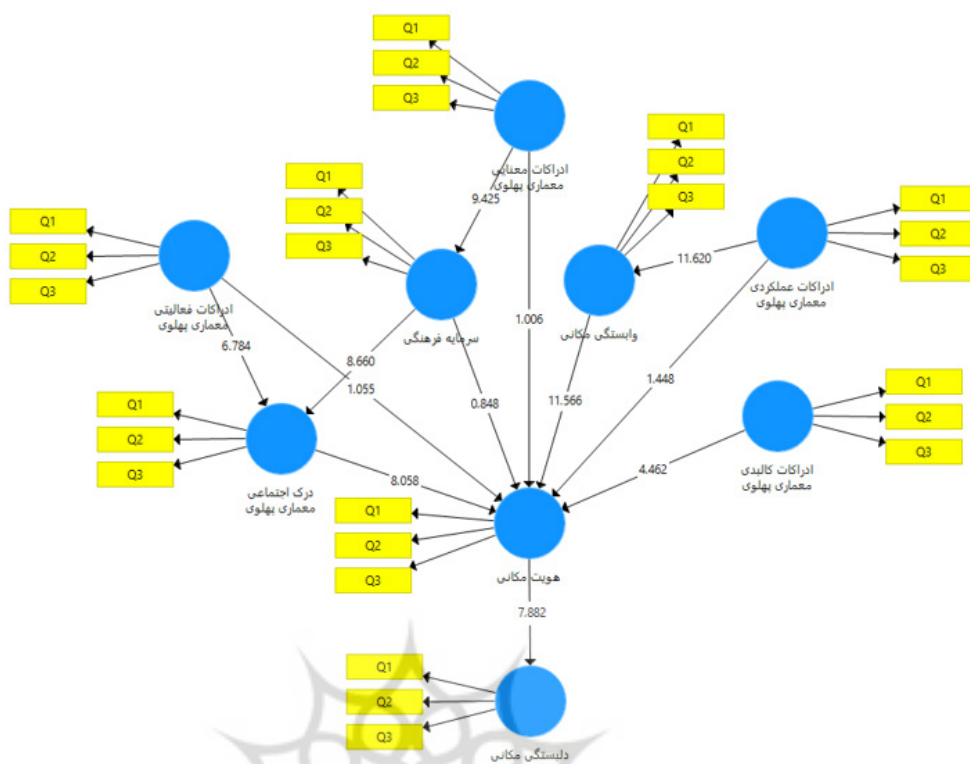
در ادامه جهت آزمون فرضیه ها و سنجش معنادار بودن روابط متغیرها در مدل ساختاری از آماره تی^۲ استفاده شد که در نرم افزار پی.ال. اس^۹ با استفاده از الگوریتم راه اندازی خودکار^{۱۰} به دست می آید (آذر و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۹). آماره t معنی دار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می دهد به طوری که مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ حاکی از معنادار بودن رابطه بین متغیرها دارد. همچنین جهت سنجش شدت این رابطه ها می بایست از ضرایب مسیر استفاده شود. شکل های ۶ و ۷ به ترتیب نتایج آزمون تی و ضرایب ساختاری مدل را نشان می دهد. در جدول ۲ مسیرهای کلی تاثیرگذار بر دل بستگی مکانی در مدل پژوهش آورده شده است.

تهران، غالب شهروندان تهرانی با آن ها آشنا می باشند. همچنین این ۳ مجتمع، با وجود این امر که در یک دوره زمانی ساخته شده اند، ولیکن، ساختار، پیکربندی فضایی و نوع مصالح در آن ها متفاوت است که این نکته می تواند عامل مهمی در پراکندگی پاسخ ها و روایی یافته ها داشته باشد

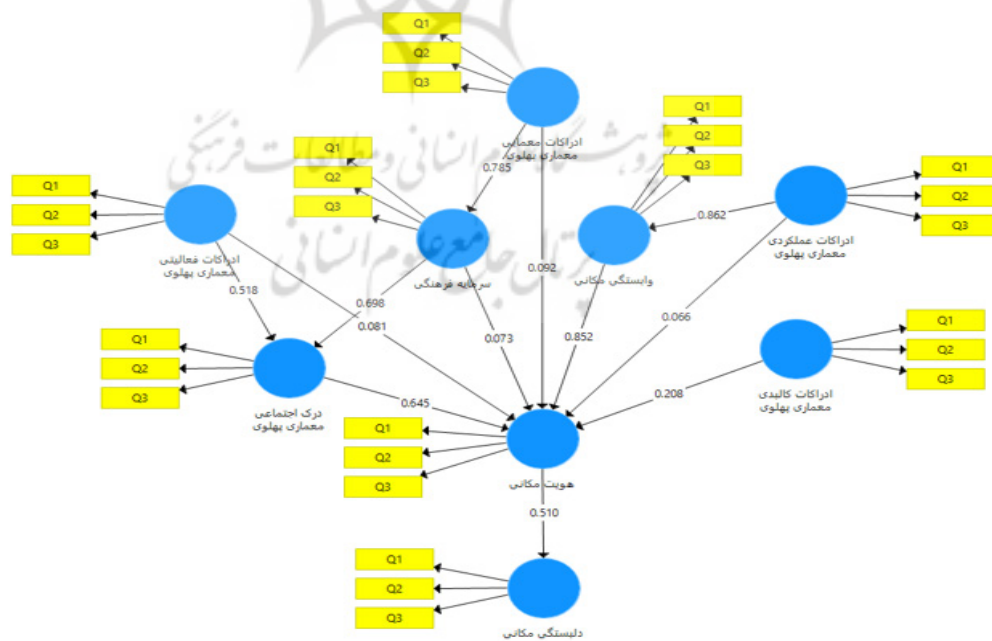
یافته های پژوهش

در روش شناسی مدل معادلات ساختاری، ابتدا به ساکن لازم است تا روایی سازه مورد مطالعه قرار گرفته تا مشخص شود نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه گیری سازه های مورد نظر خود از دقت لازم برخوردار هستند. به این شکل که بار عاملی هر نشانگر با سازه خود باید دارای مقداری بالاتر از ۰/۴ باشد. در این صورت مدل پیشبینی مورد مطالعه، از دقت لازم برای اندازه گیری آن سازه یا صفت مکنون برخوردار است. در صورتی که نشانگرهای سازه های مورد مطالعه دارای مقدار بار عاملی کمتر از ۰/۴ باشند از اهمیت لازم برای اندازه گیری برخوردار نیستند و بایستی از فرآیند تحلیل کنار گذاشته شوند؛ (Gefen & Straub, 2005). از اینرو روایی سازه که برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه گیری سازه ها، انجام شد نشان می دهد تمامی نشانگرها، ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه گیری ابعاد مورد مطالعه در مدل پژوهش فراهم آورده اند.

در ادامه برای تأیید روایی ابزار اندازه گیری از روایی همگرا استفاده شد. روایی همگرا به این اصل بر می گردد که شاخص های هر سازه با یکدیگر همبستگی میانه ای داشته باشند. بر مبنای نظر پژوهشگران،



شکل ۶. نتایج آزمون t



شکل ۷. ضرایب ساختاری مدل

(Larcker, 1981 & همکاران، ۱۳۸۰). همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقادیر R² که نشان دهنده توانایی مدل در توصیف هر سازه است، برابر با مقدار متوسط و بالا بدست آمد. در نهایت این نتایج نشان دهنده آن است که مدل ارائه شده از برازش مناسبی برخوردار است و مولفه های پژوهش توانسته اند پیش‌بینی مناسبی از تغییرات شاخص دل‌بستگی مکانی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

با توجه به ماهیت رشد و توسعه تکنولوژی در جهان که محیط

با توجه به ضرایب مسیر بدست آمده برای هر یک از مسیرهای مدل پژوهش، مسیر ادراکات عملکردی معماری پهلوی دوم، وابستگی مکانی، هویت مکانی، دل‌بستگی مکانی به عنوان بحرانی ترین مسیر در راستای ارتقاء دل‌بستگی مکانی می باشد.

در نهایت جهت اندازه‌گیری برازندگی مدل ساختاری از R² استفاده شد که در جدول ۳ آورده شده است. معیار ضروری برای سنجش الگوی ساختاری ضریب تعیین (R²) متغیرهای مکنون وابسته است. پژوهشگران اندازه R² ۰/۱۹ و ۰/۳۳ و ۰/۶۷ در الگوی مسیر PLS را به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف نموده است (Fornell

جدول ۲. ضرایب مسیر و وضعیت مسیرهای موجود در مدل مفهومی

وضعیت	ضریب مسیر	آماره t	مسیر
پذیرش	۰/۸۶۲	۱۱/۶۲۰	ادراکات عملکردی معماری پهلوی دوم ← وابستگی مکانی ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۸۵۲	۱۱/۵۶۶	
	۰/۵۱۰	۷/۸۲۲	
پذیرش	۰/۷۸۵	۹/۴۲۵	ادراکات معنایی معماری پهلوی دوم ← سرمایه فرهنگی ← درک اجتماعی معماری پهلوی ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۶۹۸	۸/۶۶۰	
	۰/۶۴۵	۷/۸۸۲	
	۰/۵۱۰		
پذیرش	۰/۵۱۸	۶/۷۸۴	ادراکات فعالیتی معماری پهلوی دوم ← درک اجتماعی معماری پهلوی ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۶۴۵	۸/۰۸۵	
	۰/۵۱۰	۷/۸۸۲	
پذیرش	۰/۲۰۸	۴/۴۶۲	ادراکات کالبدی معماری پهلوی دوم ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۵۱۰	۷/۸۸۲	

جدول ۳. برازش مدل ساختاری

متغیر	R ²
سرمایه فرهنگی	۰/۴۲۱
درک اجتماعی معماری پهلوی	۰/۳۹۶
وابستگی مکانی	۰/۴۱۳
هویت مکانی	۰/۶۲۰
دل‌بستگی مکانی	۰/۶۵۷

این وابستگی در اثر تکرار به فرایند این همانی فضا و نتیجتاً دل‌بستگی مکانی ختم شده است.

دومین مسیری که شکل‌گیری و ایجاد دل‌بستگی مکانی را در شهروندان تهرانی در بناهای مورد بررسی سبب شده است مسیر ادراکات معنایی معماری پهلوی سرمایه فرهنگی درک اجتماعی معماری پهلوی هویت مکانی دل‌بستگی مکانی می‌باشد. علیرغم مسیر اول کارایی و عملکرد به عنوان عوامل عینی مد نظر شهروندان قرار گرفت، در این مسیر عوامل ذهنی به عنوان محرکه شکل‌گیری هویت و دل‌بستگی مکانی موثر بوده است. به عبارتی، می‌توان بیان کرد که معنای شکل گرفته از این بناها در ذهن شهروندان، پس از گذر از فیلترهای فرهنگی و اجتماعی موجب بازتولید مفاهیمی چون هویت و دل‌بستگی مکانی می‌شوند.

در رابطه با سطح معنایی موارد مورد بررسی می‌توان بیان کرد که با توجه به این امر که معنای مسکن طی نیم قرن گذشته به طور معناداری برای شهروندان تهرانی تغییر نکرده است، پس هنوز سطوح معنایی یک مکان که اشاره به ماهیت شکل‌گیری آن مکان دارد، قادر هستند که در نقش عامل هویت ساز و تولید کننده دل‌بستگی مکانی سبب شوند.

همچنین مسیرهای ادراکات فعالیت‌های معماری پهلوی درک اجتماعی معماری پهلوی هویت مکانی دل‌بستگی مکانی و ادراکات کالبدی معماری پهلوی هویت مکانی دل‌بستگی مکانی نیز در مراحل بعدی اثرگذاری هستند، با این وجود، میزان تاثیر این مسیرها بر شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی با توجه به ضریب‌ها به دست آمده ناچیز است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد عدم اختلاف معنادار بین فعالیت‌ها و کالبد رایج در مسکن معاصر با نمونه‌های آن در ساختمان‌های مسکونی دوران پهلوی دوم سبب شده است که این دو مقوله نیز پس از سطوح عملکردی و معنایی به عنوان متغیرهایی جذاب در راستای ایجاد دل‌بستگی مکانی در افراد مورد مطالعه عمل کرده باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Williams & Vaske
2. Carla Trentelman
3. Stokols & Schumaker
4. Maria Lewicka
5. Punter, John
6. Schumacker
7. Markus
8. T Test

پیرامونی بشر را پیوسته تغییر می‌دهد، لزوم توجه به بحث‌های مرتبط با هویت به طور کلی و هویت مکانی و کالبدی، به طور خاص بیش از پیش ضرورت پیدا کرده است. در همین راستا، تحقیق حاضر با هدف بررسی چگونگی شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی با توجه به عناصر هویتی موجود در معماری مسکونی دوره پهلوی دوم شکل گرفت. همان‌طور که بیان شد، این نوع معماری مسکونی که از اواسط سال‌های دهه ۳۰ تا انقلاب اسلامی در جریان بوده است دارای ویژگی‌های خاصی است که بسیاری آن را نماد ورود مدرنیته به تهران به عنوان ویتترین معماری کشور می‌دانند. برای رسیدن به این هدف، ابتدا مفاهیمی چون دل‌بستگی مکانی، هویت مکانی، سرمایه فرهنگی و عوامل کالبدی، معنایی، عملکردی و فعالیت‌ی مورد به عنوان شاخص‌ها و متغیرهای اثرگذار در پژوهش تعریف و تدقیق شد.

در مرحله بعدی، بر مبنای این متغیرها، مدل مفهومی پژوهش تبیین شد. با توجه به هدف اصلی پژوهش و همچنین ماهیت مدل مفهومی تحقیق، روش مدلسازی معادلات ساختاری به عنوان روش تحلیل معماری مسکونی مجتمع‌های اکباتان، بهجت آباد و اسکان به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در دوره پهلوی دوم انتخاب شد. با توجه به مدل مفهومی پژوهش، پرسشنامه ساختاریافته پژوهش طراحی شد و میان نمونه تحقیق که شهروندان تهران بودند با تمرکز در سه مجتمع مورد نظر توزیع شد.

داده‌های به دست آمده با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم افزار Smartpls تحلیل و ارزیابی شدند. نتایج نشان دادند که بحرانی‌ترین مسیر در شکل‌گیری عوامل مرتبط با دل‌بستگی مکانی در بناهای مورد بررسی، از نظر ادراکات شهروندان تهرانی مسیر ادراکات عملکردی معماری پهلوی وابستگی مکانی هویت مکانی دل‌بستگی مکانی است. درواقع، بر مبنای این یافته‌ها به نظر می‌رسد که پله اول درک از بناهای مورد نظر ویژگی‌های عملکردی آنان است که این امر موجب اثرگذاری بر عامل وابستگی مکانی در تصورات ذهنی آنان خواهد شد و در درجات بعدی به شکل‌گیری هویت و دل‌بستگی مکانی منجر می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد کارایی و عملکرد و برآورده شدن انتظارات و نیازها از این بناها مهم‌ترین عامل ایجاد متغیرهای مرتبط هویتی و دل‌بستگی در شهروندان می‌باشد.

در رابطه با سطح عملکردی اثرگذار بر شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی می‌توان بیان کرد که با توجه به این امر که نمونه‌های ساختمانی مورد بررسی، علیرغم گذر زمان، از نظر عملکردی هنوز دارای کارایی و بازدهی مناسبی می‌باشند، قادر بوده‌اند که سطح مناسبی از دل‌بستگی را در افراد ایجاد کند. درواقع، به نظر می‌رسد عملکرد مناسب این بناها در طول زمان وابستگی ساکنان آن‌ها را نتیجه داده است که

۱۳. نولان، پاتریک؛ و لنسکی، گرهارد. (۱۳۸۳). *جامعه های انسانی: مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان*. (ترجمه ناصر موفقیان). چاپ دوم، تهران: نشر نی.

۱۴. یغماییان، شیوا؛ حبیب، فرح؛ ذبیحی، حسین؛ و پناهی، سیامک. (۱۳۹۷). *تبیین مدل دلبستگی به مکان در بستر جهانی شدن. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۳ (۳۳)، ۲۶۱۴.

15. Alitajer, S., Khanian, M., & Sharifi, A. (2013). Measure and Analyze How Continuity in Place Influence Place Attachment Case Study: Abadian Residential Community, Hamedan, Iran. *Research Journal of Environmental and Earth Sciences*, 5(11), 645650.

16. Bagozzi, R. P., & Fornell, C. (1982). Theoretical concepts, measurements, and meaning. *A second generation of multivariate analysis*, 2(2), 523.

17. Bernardo, F., & PalmaOliveira, J. M. (2016). Urban neighbourhoods and intergroup relations: The importance of place identity. *Journal of Environmental Psychology*, 45, 239251.

18. Bohleber, W. (2018). *Destructiveness, intersubjectivity and trauma: The identity crisis of modern psychoanalysis*. Routledge.

19. Carmona, M., Heath, T., Tanner, O. C., & Tisdell, S. (2007). *Public Place Public Space: The Urban Design Dimension*. Cambridge University Press.

20. Choua, Sh. W., & Chen, P. Y. (2009). The influence of individual differences on continuance intentions of enterprise resource planning (ERP). *Human Computer Studies*, 67(6), 484-496.

21. Davis, A. (2016). Experiential places or places of experience? Place identity and place attachment as mechanisms for creating festival environment. *Tourism management*, 55, 4961.

22. Devine-Wright, P. (2013). Rethinking NIMBYism: The role of place attachment and place identity in explaining place-protective action. *Journal of community & applied social psychology*, 19(6), 426441.

9. PLS Algorithm

10. Bootstrappi

فهرست مراجع

۱. آذر، عادل؛ غلامزاده، رسول؛ و قنواتی، مهدی. (۱۳۹۱). *مدلسازی مدل سازی مسیری ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم افزار Smart PLS*. تهران: نگاه دانش.

۲. پورجعفر، محمدرضا؛ ایزدی، محمد سعید؛ و خبیری، سمانه. (۱۳۹۴). *دلبستگی مکانی؛ بازنشاسی مفهوم، اصول و معیارها*. هویت شهر، ۹ (۲۴)، ۵۴۴۳.

۳. چنگیزی، نگار؛ و احمدیان، رضا. (۱۳۹۲). *بررسی شاخص های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)*. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۱، ۶۳۵۳.

۴. دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۸). *تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن*. *نشریه ی هنرهای زیبا*، ۱ (۳۸)، ۴۸۳۷.

۵. دنبلی، سارا؛ کلانتری خلیل آباد، حسین؛ و آقاصفری، عارف. (۱۳۹۷). *بازشناسی مولفه های هویت منظر شهری در شهرهای ایرانی اسلامی، نمونه موردی شهر تهران*. *فصلنامه نقش جهان*، ۸ (۴)، ۲۳۰۲۲۳.

۶. رهبری منش، کمال؛ و دانش کارآراسته، مدیا. (۱۳۹۷). *بررسی عوامل موثر بر شکل گیری تصورات ذهنی مثبت افراد نسبت به نماهای رومی (نمونه موردی: ناحیه یک از منطقه یک کرج)*. *پنجمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی ایران در گذار آثار و اندیشه ها*. قزوین. صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه های فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس.

۸. قبادیان، وحید؛ و کیانی، مصطفی. (۱۳۹۲). *خاستگاه معماری مدرن در تهران (بررسی و شناخت اولین بنای سبک معماری مدرن در پایتخت کشور)*. *نشریه معماری و شهرسازی*، ۶ (۱۱)، ۵۸۳۹.

۹. کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری معاصر ایران و مکتب مدرن، نشریه معماری و فرهنگ*، ۵ (۱۵ و ۱۶)، ۴۷۳۵.

۱۰. گلکار، کوروش. (۱۳۸۰). *مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری*. *فصلنامه صفا*، ۱۱ (۳۲)، ۶۵۳۸.

۱۱. مطلبی، قاسم. (۱۳۸۸). *رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله ای، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله ای*. تهران.

۱۲. نوغانی، محسن. (۱۳۸۴). *سرمایه فرهنگی و ورود به آموزش عالی*. *فصلنامه ی فرهنگ و هنر خراسان*، ۱۳ (۱۳)، ۲۶۱۴.

23. Eisenhauer, B. W., Krannich, R. S., & Blahna, D. J. (2000). Attachments to special places on public lands: An analysis of activities, reason for attachments, and community connections. *Society & Natural Resources*, 13(5), 421441.
24. Fornell, C., & Larcker, D. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39–50.
25. Gefen, D., & Straub, D. (2005). A practical guide to factorial validity using PLSGraph: Tutorial and annotated example. *Communications of the Association for Information systems*, 16(1), 5.
26. Gheitarani, N., ElSayed, S., Cloutier, S., Budruk, M., Gibbons, L., & Khanian, M. (2019). Investigating the Mechanism of Place and Community Impact on Quality of Life of RuralUrban Migrants. *International Journal of Community WellBeing*, 3(1), 2138.
27. Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of environmental psychology*, 21(3), 273281.
28. Holtkamp, C. (2018). *Social Capital, Place Identity, and Economic Conditions in Appalachia. Doctoral dissertation, Texas State University*. Retrieved from: digital.library.txstate.edu.
29. Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2006). A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions: Attachment to, dependence on, and identification with lakeshore properties. *Journal of environmental management*, 79(3), 316327.
30. Khanian, M., Bolouhar, B., Gheitarany, N., & Nezhad, S. M. (2013). Studying the causes of vitality in traditional markets of Iran (Case Study: Shoemaking Order of Central Market of Hamadan). *World Applied Sciences Journal*, 22 (6), 831835.
31. Khanian, M., Marshall, N., Zakerhaghighi, K., Salimi, M., & Naghdi, A. (2018). Transforming agriculture to climate change in Famenin County, West Iran through a focus on environmental, economic and social factors. *Weather and climate extremes*, 21, 5264.
32. Khanian, M., Serpoush, B., & Gheitarani, N. (2019). Balance between place attachment and migration based on subjective adaptive capacity in response to climate change: the case of Famenin County in Western Iran. *Climate and Development*, 11(1), 6982.
33. Kim, J., & Kaplan, R. (2004). Physical and psychological factors in sense of community: New urbanist Kentlands and nearby Orchard Village. *Environment and behavior*, 36(3), 313340.
34. Knez, I., & Eliasson, I. (2017). Relationships between personal and collective place identity and wellbeing in mountain communities. *Frontiers in psychology*, 8, 79.
35. Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28(3), 209231.
36. Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of planning literature*, 20(4), 335350.
37. Markus, K. A. (2012). *Principles and practice of structural equation modeling* by Rex B. Kline.
38. Moulay, A., Ujang, N., Maulan, S., & Ismail, S. (2018). Understanding the process of parks' attachment: Interrelation between place attachment, behavioural tendencies, and the use of public place. *City, Culture and Society*, 14, 2836.
39. Naghdi, A., Khanian, M., & Rucentan, M. (2016). The urban dilemmas in Iran marginal urban area; A case study of Kermanshah city. *Journal of Civil Engineering and Urbanism*, 1, 1623.
40. Perkins, D. D., & Long, D. A. (2002). *Neighborhood sense of community and social capital. In Psychological sense of community* (pp. 291318). Springer, Boston, MA.
41. Proshansky, H. H., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). *Placeidentity: Physical World Socialization of the Self. In The People, Place, and Space Reader* (pp. 111115). Routledge.
42. Proshansky, H. M. (1978). The city and selfidentity. *Environment and behavior*, 10(2), 147169.

43. Rahmani, A., Khanian, M., & Mosalsal, A. (2013). Prioritize and location finding land for housing development in the satellite cities of using the AHP model (case study: Bahar city in Hamadan province). *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 3(1), 148160.
44. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of environmental psychology*, 30(4), 422434.
45. Rowles, G. D. (2017). *Being in place: Identity and place attachment in late life*. In *Geographical Gerontology* (pp. 203215). Routledge.
46. Scannell, L., & Gifford, R. (2017). Place attachment enhances psychological need satisfaction. *Environment and Behavior*, 49(4), 359389.
47. Schreyer, R., Jacobs, G. R., & White, R. G. (1981). Environmental meaning as a determinant of spatial behaviour in recreation. In *Proceedings of Applied Geography Conferences*, Volume 4. (pp. 294300). Department of Geography, State University of New York.
48. Schumacker, R. E. (2017). *Interaction and nonlinear effects in structural equation modeling*. Routledge.
49. Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from placebased cognitions, attitude, and identity. *Environment and behavior*, 34(5), 561581.
50. Stokols, D. (1981). People in places: A transactional view of settings. *Cognition, social behavior, and the environment*, 441488.
51. Trentelman, C. K. (2009). Place attachment and community attachment: A primer grounded in the lived experience of a community sociologist. *Society and natural resources*, 22(3), 191210.
52. Vaske, J. J., & Kobrin, K. C. (2001). Place attachment and environmentally responsible behavior. *The Journal of Environmental Education*, 32(4), 1621.
53. Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. *Forest science*, 49(6), 830840.
54. Williams, D. R., Patterson, M. E., Roggenbuck, J. W., & Watson, A. E. (1992). Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure sciences*, 14(1), 2946.

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

The Study of Place Attachment Perception based on Identity Elements of Residential Building of the Pahlavi II Period between Citizens of Tehran

Masoumeh Gheimati, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

Iraj Etessam, Department of Art & Architecture, Faculty of Architecture, Science and Research Azad Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Ali Alaei, Department of Architecture, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Abstract

Today, with the rise of technology and the dramatic increase in mass communication, human definitions of psychological and cognitive issues have largely changed hands. Spatial identity is one of these concepts related to environmental sciences, particularly architecture and urban planning. The role of emotions and semantic relationships in shaping spatial identity is discussed and the effects of these include the creation of self-esteem and a sense of community. The identity of a place that has gradually developed over time will create an inextricable link between one's feelings and personal characteristics with the place in which one lives. The Second Pahlavi period was the beginning of the modern movement and the transformation of architectural styles into modern styles and presenting new patterns in it. This has led to the design and implementation of prominent and prominent architectural monuments, especially in residential architecture, which still has physical, semantic, and functional attractions after decades of implementation. In this regard and expressing the importance of spatial identity, this study seeks to read the citizens' mental perceptions of their spatial attachment based on the identity elements of the second Pahlavi era residential architecture. The main purpose of this research is to find out the mechanism and mechanisms that characterize the identity of the Pahlavi era residential architecture in the mind of today's citizens of Tehran. In other words, extracting the most critical mental paths of identity structures from these structures using structural equation modeling techniques is considered. To achieve this, the conceptual model of how to understand spatial attachment and spatial identity is explained and defined using a review of research literature and then by using a questionnaire survey method and equation modeling software. Structurally, this model has been examined. The method of this research is descriptive-analytical, which is the main purpose of the analysis, investigation of the mechanism, and mechanism of formation of attachment to residential buildings of the second Pahlavi period. Data collection was done through both documentary and quantitative survey, using a questionnaire. Descriptive statistics and inferential statistics of the present study were used by SPSS and Smartpls software using structural equation modeling. The results showed that the most critical path in shaping the factors related to spatial attachment in the buildings under consideration is in terms of perceptions of Tehranian citizens, the path of functional perceptions of Pahlavi architecture-spatial dependence-spatial identity-spatial attachment. Moreover, based on these findings, it seems that the first step in understanding the monuments in question is their functional properties, which in turn will influence the place-dependency factor in their mental imagery, and later stages of formation. Identity and place attachment lead. Therefore, it seems that efficiency and performance and meeting the expectations and needs of these buildings are the most important factors in creating the related variables of identity and attachment in citizens. The second path that has led to the formation and creation of spatial attachment in Tehranian citizens in the buildings under study is the semantic path of Pahlavi architecture-cultural capital-social understanding of Pahlavi architecture-spatial identity-spatial attachment.

Keywords: Place attachment, Place identity, Place dependence, Pahlavi II architecture, Structural equation.

* Corresponding Author Email: i.etessam@srbiau.ac.ir